



به عقیده منتقدان حذف ارز ترجیحی، این رویکرد و تصمیم بیش از آنکه بر داده‌های واقعی تکیه داشته باشد، بر نوعی ساده‌سازی خطرناک از واقعیت محرز اقتصاد ایران باشد و تلاشی برای جبران کمبود منابع دولت بدون مواجهه با ریشه‌های ساختاری تورم است که می‌تواند تجربه تلخ حذف ارز ۴ هزاره ۲۰۰ تومانی را تکرار و شوک جدیدی به سفره خانوارها وارد کند.



درواقع، همان بانک‌هایی که باید براساس طبقه‌بندی تازه از فعالیت‌های غیرتخصصی فاصله بگیرند، حالا مأمور جبران کسری منابع دولت شده‌اند. دولت از طریق همین بانک‌ها کسری خود را با انتشار اوراق می‌پوشاند، بانک‌ها اوراق را می‌خرند تا نقدینگی بازگردد و سیاست‌گذار اقتصادی امیدوار است به اسم «انقباض»، چهره بازار پول را بایات نشان دهد. در عمل اما، انقباض از بدی‌ها وارد شده است. کارشناسان بازار پول هشتادار می‌دهند سود ۲۷ درصدی اوراق بانکی فشار تورمی را فقط به آینده منتقل می‌کند و کاهش نمی‌دهد. بانک‌ها منابع جدید را خرج می‌کنند و برای جبران آن دوباره از سپرده‌ها یا دارایی‌های غیرمولد باری می‌گیرند. این خرجه همان ناترازی است، فقط با نام دیگری. سؤال اینجاست که افزایش سرمایه بانک‌ها از هزار و ۳۵۰ همت به هزار و ۴۶۰ همت تا پایان سال، قرار است پشتوانه همین اوراق ایجاد شود یا تغییری واقعی در ساختار؟ اگر سرمایه صرف خرید اوراق شده باشد، آن افزایش فقط روی کاغذ اتفاق افتاده و معنایش بدهکاری‌تر شدن شبکه بانکی است. در ظاهر همه چیز طبقه‌بندی شده، بانک‌های جامع، تخصصی، پس‌انداز، توسعه‌ای، مسکن و قرض‌الحسنه، هر کدام مأموریت روشن دارند؛ ولی تا زمانی که بانک‌ها برای تأمین نقدینگی خود به فروش بدهی یا سود بالا متکی باشند، این طبقه‌بندی در عمل فقط تابلو زیا بر دیوار بدهکاری است.

چنان که کلمران ندی، اقتصاددان می‌گوید بانک مرکزی نمی‌تواند بایک دست نقدینگی را جمع کند و با دست دیگر بدهی خلق نماید؛ این دو سیاست متناقض اند و اثر هم را خنثی می‌کنند.

بانک مرکزی میان انضباط و بدهی

طوسی| بانک مرکزی از یک سو بانک‌ها را طبقه‌بندی کرده تا
 اوراق بدهی، همان بانک‌ها را بدهکارتر کرده است.

بانک مرکزی به‌تازگی از یک دستورالعمل تازه برای ساماندهی شبکه بانکی سخن گفته؛ طرحی که بانک‌ها را در ۶ دسته مشخص طبقه‌بندی می‌کند تا بالاخره معلوم شود هر بانک دقیقاً باید چه کار کند و از چندشغله بودن خارج شود. اما همزمان، همان شبکه بانکی برای تأمین نقدینگی و پوشاندن نیازتازاری هریش، به انتشار حجومی سابقه‌ای از اوراق بدهی با مجموع ۲۷ درصد روی آورده است؛ رقمی حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان در یکی دو ماه اخیر. تناقض میان این دو مسیر، تصویرداز اصلاح در ظاهر و بدهکاری در باطن را پیش چشم اقتصادگذاشته است. در ظاهر، طبقه‌بندی جدید قرار است مرز میان بانک توسعه‌ای، قرض‌الحسنه، تجاری و تخصصی را روشن کند. در واقع، افزایش بدهی بانکی تصمیمی است برای ادامه حیات سیستم نقدینگی گرفتار کسری. به بیان ساده‌تر، بانک‌ها دارند برای وفادار کتوامد مت خود، از آینده قرض می‌گیرند. مصطفی بقری‌نفا در توضیح دستورالعمل جدید گفته بود: «طبقه‌بندی بانک‌ها به شفافیت و شایسته‌تر بودن نهاد مالی، جلوگیری از فعالیت‌های خارج از آموطن یک می‌کند و هدف آن، جلوگیری از انضباط در شبکه بانکی است».

انتشار اوراق با نرخ سود بالا، به جای آنکه نشانه اصلاح باشد، یک مُسکن ترمیمی است. بانک مرکزی با این اقدام، نقدینگی را به شکل بدهی آینده ذخیره می‌کند تا فعلاً بازار آرام بماند. اما هر اوراق جدید، بدهی تضمین‌شده‌ای برای سال‌های بعد است که خواه‌ناخواه از جیب سپرده‌گذار و بودجه عمومی پرداخت می‌شود. مهدی طخیانی،



عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در واکنش به رشد انتشار اوراق گفته است: توسل مداوم به اوراق بانرهای بالانسان می دهد سیاست پولی هنوز درگیر تناقض میان کنترل تورم و تأمین منابع است. این ابزار موقت است، نه اصلاح.

منابع است. این ابزار موقت است، نه اصلاح.

در واقع، همان بانک‌هایی که باید بر اساس طبقه‌بندی تازه از فعالیت‌های غیر تخصصی فاصله بگیرند، حالا مأمور جبران کسری منابع دولت شده‌اند. دولت از طریق همین بانک‌ها که کسری خود را با انتشار اوراق می‌پوشاند، بانک‌ها اوراق را می‌خرند و نقدینگی باگردد و سیاست‌گذار اقتصادی امیدوار است به اسم «انضباط»، چهره بار پول را بایثبات نشان دهد. در عمل اما، انضباط از در بدهی وارد شده است. کارشناسان بازار پول هشدار می‌دهند سود ۲۷ درصدی اوراق بانکی فشار تورمی را فقط به آینده منتقل می‌کند و کاهش نمی‌دهد. بانک‌ها منابع جدید را خرج می‌کنند و برای جبران آن دوباره از سپرده‌ها یا دایره‌های غیرمولد یاری می‌گیرند. این چرخه همان ناترازی است، فقط با نام دیگری. سؤال اینجاست که افزایش سرمایه‌های بانک‌ها ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد به هزار و ۴۰۰ همت تا پایان سال، کاروانشماره پشیمانانه همین اوراق شود یا تغییری واقعی در ساختار؟ اگر سرمایه صرف خرید اوراق بدهی شود، آن افزایش فقط روی کاغذ اتفاق افتاده و معنایش به‌عکاز ترشدن شبکه بانکی است. در ظاهر همه چیز طبقه‌بندی شده، بانک‌های جامع، تخصصی، پس‌انداز، توسعه‌ای، مسکن و قرض‌الحسنه، هر کدام مأموریت روشن دارند؛ ولی تا زمانی که بانک‌ها برای تأمین نقدینگی خود در بدهی به سود با ملکت‌کنی باشند، این طبقه‌بندی در عمل فقط تابلو زیبار دیوار به‌کار است.

چنان که کامران ندری، اقتصاددان می گوید بانک مرکزی نمی تواند با یک دست نقدینگی را جمع کند و با دست دیگر بدهی خلق نماید؛ این دو سیاست متناقض اند و اثر هم را خنثی می کنند.

سفرارش آگهی
۳۷۵۸۸
سازمان آگهی های روزنامه ها

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو کامیونت -ون زامیاد مدل ۱۳۹۸ به رنگ آبی به شماره شاسی ۵۸۱۶۱۸۰۷۵۸۲۴۱۴۰۷۱۸ NAZPL به شماره موتور ۲۴۸۴۲۸۶۲ به شماره پلاک ۴۲۴۸۱ ایران ۳۴ به مالکیت مهرداد امیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد / ایرانشهر

در مزایده به آدرس زیر مراجعه فرمایند:
مشهد - بلوار بعثت - حدفاصل طالقانی و
رضا - پلاک ۴۷ - طبقه اول
۰۵۱۳۸۴۷۴۱۳۲

مراجعة نماید

لازم به ذکر است مرور مسیر پریچ و خم سیاست‌های ارزی کشور در سال‌های اخیر نشان می‌دهد هر بار که دولت نرخ ارز مرجع یا نیمايي را تغییر داده، قیمت‌هایی درنگ و واکنش نشان داده‌اند و تورم ماهانه و نقطه‌به‌نقطه دقیقاً با جهش‌های ارزی همزمان بوده است؛ چرخه‌ای تکراری که از سال ۱۳۹۸ تا امروز ادامه دارد.

خبرگزاری تسنیم در این خصوص می‌نویسد: در بهار ۱۴۰۱ با جایگزینی نرخ نیمايي حدود ۱۲ هزار توماني به‌جاي ارز ۴۲۰۰ توماني براي محصولات پتروشيمي، قيمت کالاهای پایه در بورس و تورم ماهانه همزمان با افت، در اسفند ۱۴۰۱ خرداد، ششم و هفتم و برنج از فهرست ارز ۴۲۰۰ توماني افزايش نرخ خود ۹ هزار ۶۵۰ هزار تومان، موج تازه‌ای از گانی در همین اقلام و در کل سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد کرد. در اردیبهشت ۱۴۰۱، با حذف ارز ۴۲۰۰ توماني از روغن و نهادهای دامی و نزدیک شدن نرخ رسمی به ۲۵ هزار تومان، تورم خرداد در ۱۲ درصد رسید؛ رکوردی تاریخی. پس از آن ارزهای ۵۰ هزار، ۵۰ توماني و نیمايي ۳۸ هزار ۵۰۰ توماني شکل گرفتند، اما نرخ آزاد به ۵۰ هزار تومان جهش کرد. در آذرماه ۱۴۰۱ نرخ ۳۸ هزار ۵۰۰ توماني جایگزین ارز ترجیحي شد و دوباره تورم تولید با افت، در بهار ۱۴۰۲ نیز حذف ارز ۲۸ هزار ۵۰۰ توماني، برای اقلامی چون حبوبات و قند، همزمان با صعود نرخ نیما از ۲۵ تا ۷۰ هزار تومان، موج تازه‌ای از افزایش قیمت‌ها را رقم زد. در همین دوره، «بازار دوام» از برای کالاهاکالای نهایی شکل گرفت و نرخ آن حتی به ۱۰۰ هزار تومان رسید. براساس این تورم‌ها هر بار که نرخ ارز ترجیحي کاهش داده شد، اثر آن در تورم ماهانه به‌فراصله نمایان شده است. حذف ارز حمایتی همواره با افزایش ۵۰ تا ۵۰ درصدی قیمت کالاهای خوراکی انجامیده و فشار معیشتی را بر افشار ضعیف تشدید کرده است و این شواهد سه نکته روشن دارد: حذف یا تغییر نرخ مرجع همواره با تورم جهشی همراه بوده است، برخلاف ادعای «تثبیت نرخ ارز»، در عمل، تغییرات نرخ ارزی نشان‌دهنده تورم است؛ بلکه تعدد نرخ‌ها و اثرات بی‌ثباتی آن بر معیشت مردم و اقتصاد، شتاب‌دهنده‌ی تورم است. «از ترجیحي به هدف اصابت نکرد» بدون بررسی دقیق و زنجیره‌تأمین، قاچاق معکوس، رفتار واسطه‌ها و ضعف نظارت، تحلیلی ناقص است. این گزارش هم تأکید می‌کند: پیش از این، با پایداری معیار نظارتی شفاف، نظام تعرفه و تجارت اصلاح و اثرات تورمی و رفاهی آن برآورد شد و گرنه تجربه تلخ سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ دوباره تکرار خواهد شد.